■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۶۰۶ ■ یکشنبه ■ ۲۹ فروردین ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۴ | اذان مغرب ۱۹/۵۹ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۹ | اذان صبح فردا ۴/۵۷ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۷

سخن روز

امام جواد(ع): در زندگی، صبر را تکیه‌گاه خود، فقر و تنگدستی را همنشین خود قرار بده و با هواهای نفسانی مخالفت کن و بدان که هیچ‌گاه از دیدگاه خداوند پنهان و مخفی نخواهی ماند، پس مواظب باش که در چه حالتی خواهی بود. **بحارالانوار، ج۷۵، ص۳۵۸**

فریبا متخصص: «باغ گیلاس» در زمان خود با استقبال خوبی مواجه شد

سریال «باغ گیلاس» دومین کار من در تلویزیون بود. آنقدر از حضور در این سریال و جلوی دوربین رفتن خوشحال بودم که اصلاً به این موضوع فکر نمی‌کردم. بسیار به کارم علاقه داشتم و دلم می‌خواست حضوری پررنگ و حرفه‌ای در این عرصه داشته باشم. هم خود سریال را دوست داشتم و هم نقشم را. خوشبختانه «باغ گیلاس» به‌عنوان یکی از اولین تجربه‌های بازیگری‌ام در زمان پخش با استقبال خیلی خوب مردم مواجه شد و بسیار موفق بود. بازی در کنار امثال مرحوم مشایخی و خانم خردمند برای ما بازیگران جوان واقعاً هم افتخار بزرگی بود و هم فرصتی به‌شمار می‌رفت که از آن‌ها بیاموزیم. انصافاً آن‌ها هم با بزرگ منشی از هیچ کمکی به ما دریغ نداشتند. خاطرم هست که زمان پخش قسمت آخر سریال، خیابان‌ها خلوت بود و همه خودشان را به خانه رسانده بودند تا به تماشای پایان قصه بنشینند.

بخشی از سخنان بازیگر باغ گیلاس در گفت‌وگو با ایسنا

دعای روز پنجم
ماه مبارک رمضان

اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی فِیهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِینَ وَاجْعَلْنِی فِیهِ مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ الْقَانِتِینَ وَاجْعَلْنِی فِیهِ مِنْ اَوْلِیائِکَ الْمُقَرَّبِینَ بِرَأْفَتِکَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

خدایا قرار ده مرا در این ماه از آمرزش جویان و از بندگان شایسته فرمانبردار و از اولیای مقرّبت، به رأفتت ای مهربان‌ترین مهربانان.

نگاره

احسان نوری نجفی

بدون شرح

#آبادان

هشتگ

خبر استفاده تعدادی از سهمیه واکسن پاکبان‌های آبادان توسط شهرداری و شورای شهر آبادان عصبانیت و ناراحتی کاربران ایرانی را همراه داشت.

توضیح شهردار آبادان که گفت برای اینکه ترس پاکبان‌ها از زدن واکسن بریزد و به درخواست خود آنها واکسن زده‌اند عصبانیت‌ها را بیشتر کرد. بخصوص پس از اینکه اعلام شد در علی‌آباد کتول هم اتفاق مشابهی رخ داده است: «یعنی هرجا واکسنی رفته و کسی نزده اینطور درباره‌اش تصمیم گرفتن؟ بگید که اینطور نیست و فقط در آبادان و گلستان اتفاق افتاده.»، «شهردار آبادان: «خود پاکبانان خواستند که ما هم واکسن بزنیم! پ.ن: وقاحت اگر زبان داشت»، «مهم‌تر از اینکه شهردار آبادان سهم پاکبانان شریف از واکسن را دزدیده، فرایندی است که طی آن کسی شهردار می‌شود که می‌تواند اسمش را توی لیست پاکبانان بگنجاند و ماسکش را از صورت برندارد تا توی صف واکسن شناخته نشود و حق یکی از ضعیف‌ترین و شریف‌ترین اقشار جامعه را برای نفع شخصی بدزدد.»، «اگر زمانی که شهردار اهواز با سوء استفاده از سهمیه پاکبان‌ها خود را واکسینه کرد، بلافاصله از شهرداری اهواز برکنار می‌شد و با او برخورد قضایی می‌شد، هیچ‌گاه شورای شهر و شهرداری آبادان جرأت دست‌درازی مجدد به خود نمی‌دادند»، «آدم می‌ترسه مثل داستان سیلی و سرباز و خط ویژه پاکبان‌ها مقصر بشن.»، «حالا که شهردار و مدیران شهرداری و اعضای شورای شهر آبادان قاطی پاکبان‌ها رفتن واکسن کرونا زدن، به‌نظرم بهترین کار اینه که بمدت حداقل دو سال مثل بقیه پاکبان‌ها خیابون‌های آبادان رو جارو بکشن و زباله‌ها رو جمع کنن! عکس و فیلمشون هم پخش بشه. اینطوری واکسن‌شون حلال میشه»، «من منتظر نشستم ببینم چه برخوردی میکنن با اعضای شورای شهر»، «داستان واکسن در شهرداری آبادان را بگذارید کنار شهید مهدی باکری که وقتی گفتند برگرد گفت، بچه‌ها را رها نمی‌کنم برگردم.»، «آیا اجازه داریم به‌عنوان مطالبه، خواهان برکناری اعضای شورای شهر و شهردار آبادان به‌دلیل این راهزنی باشیم؟ پ.ن: واکسن پاکبان آخه بالا کشیدن داره؟»، «شهردار آبادان انگار فقط برای واکسن کرونا احساس مسئولیت کرده تا تردیدزدایی کنه، چرا هیچوقت تلاش نکرد یک سال حقوق رفتگری بگیره یا یک روز کوچه‌های شهر رو جارو کنه تا ببینه رفتگرها چی می‌کشن.»، «بعد از سوءاستفاده از سهمیه واکسن پاکبانان آبادان، حالا نوبت به علی‌آباد کتول رسید»، «بهترین مجازات برای شورای شهر آبادان که برای تزریق واکسن خودشون رو پاکبان جا زدن، دوسال پاکبانی بدون مزده»، «وقتی فریاد زدیم تا زمانی که کادر درمان واکسینه نشدند، واکسیناسیون پاکبانان و مشاوران و کادر اداری آرامستان‌ها غلط است برآشفته شدند، نوشتیم واکسیناسیون را شفاف کنید گفتند اطلاعات بیمار محرمانه است»، «کاش فقط به‌خاطر واکسن خودتونو جای پاکبان‌ها جا نمیزدین. موقع پرداخت حقوقشونم مث اونا حقوق می‌گرفتین...»

شهروند مجازی
یگانه خدامی

خداحافظی با دست‌نشان

ماجرا

کرونا نادر دست‌نشان مربی تیم نساجی قائمشهر را هم گرفت. درگذشت او داغ دل فوتبالی‌ها را تازه کرد و بسیاری از کاربران طرفدار فوتبال از این بیماری و درگذشت چهره‌های دوست داشتنی نوشتند: «نادر دست‌نشان به علت ابتلا به کووید۱۹ درگذشت و مردم هم با تجمع در مقابل بیمارستان رازی قائمشهر سعی در ادامه راه ایشون دارند.»، «باورش سخته برام، سخته که بگم خدا رحمتش کنه، نادر دست‌نشان از جمله مربیانی بود که کمتر تیمی پیدا می‌کنید که شاگردی از ایشان در آن نباشد، آقا نادر در شهرها و استان‌های زیادی منشأ خیر و برکت بود و قطعاً به نیکی در یادها خواهد ماند. روحت شاد نادر خان.»، «نادر دست‌نشان از تبار آنهایی بود که سال‌هاست چرخ زندگی را در این کشور چرخانده‌اند؛ زیر بار امواج جنگ، تورم و تحریم. از آنها که بی‌ادعا بچه‌های این کشور را بزرگ کرده‌اند. از آنها که نگذاشته‌اند زندگی و فوتبال در ایران بمیرد. در فراقش همه زمین‌های فوتبال می‌گریند.»، «ما آبادانی‌ها نادر دست‌نشان رو خیلی دوست داشتیم... باهامون یزله می‌رقصید..کلی خاطرات خوب با صنعت نفت به جا گذاشت»، «دونه دونه ورزشکاران و مردم رو می‌برن خواب مصنوعی بعد مرگ کرونایی... به یاد علی انصاریان... مهرداد میناوند... نادر دست‌نشان»، «چقدر حیف که داریم انسان‌های شریفی رو از دست می‌دیم. روحت شاد مرد دوست داشتنی»، «نادر دست‌نشان هم رفت، انگار کرونا با فوتبالی‌ها مشکل شخصی داره»، «هویت شهری چیزی جزخاطره جمعی افراد ساکن یک شهر نیست و شهر بدون خاطره فاقد هویت است. هویت شهرمان باعَرق و عِرق پدرمان در کارخانه نساجی و مهارت فرزندانشان درباشگاه آن شکل گرفته است! محال است خاطرات گذشته رامرور نماییم و نام نادر دست‌نشان در برابر دیدگانمان ندرخشد! خداحافظ اسطوره...»، «فصل ۸۷-۸۶ پگاه گیلان با نادر دست‌نشان واقعاً جذاب بود و نتایج عجیب غریبی ثبت کرد. مثل برد ۴-۱ جلو استقلال در آزادی. شگفتی اون فصل جام حذفی هم بود و نایب قهرمان شد. قسمت نبود سپیدرود رو تو لیگ حفظ کنه. برد ۳-۱ جلو تراکتور فراموش نشدنیه»، «دنیای عجیبیه؛ هیچ وقت فکر نمی‌کردم یه روز توئیت بزنم نادر دست‌نشان درگذشت ولی خُب کرونا کاری کرد که این مورد عجیب رو هم انجام بدم.»

اولویت های خانه موسیقی در روزگار کرونا

یادداشت

حمیدرضا نوربخش
مدیرعامل خانه موسیقی ایران

ویروس کرونا در سالی که گذشت صدمات و خسارات مالی، روحی و روانی بسیاری برای مردم بویژه اهالی فرهنگ و هنر به بار آورد و مشکلات زیادی برای اشتغال هنرمندان به وجود آمد که همچنان وجود دارد. درواقع تمامی فعالیت‌های اهالی موسیقی متاثر از این بیماری است. فعالیت‌های شخصی من بیشتر متاثر از به آموزش آواز در دو شاخه تکنیک و صداسازی و آموزش ردیف و شیوه آوازخوانی بوده که بیشتربه صورت مجازی و تعدادی نیز به شکل حضوری برگزارشد که البته با رعایت پروتکل‌های بهداشتی بوده است. لازم به ذکراست آموزش مجازی دربخش تکنیک وصداسازی با مصایب بسیاری همراه است چرا که مشکلات اینترنتی، فاصله و حائل به‌وجود می‌آورد وانتقال مفهوم را با مشکل مواجه می‌کند البته شاید وجود چنین مسائلی در بخش آموزش ردیف کمتر باشد چرا که این بخش آموزشی به‌صورت فایل ضبط شده بوده که ارسال می‌شود و بدین گونه تبادل صورت گرفته و مطلب منتقل می‌شود.

ناگفته نماند آزمون پذیرش هنرجویان جدید باید به‌صورت حضوری انجام شود. حتماً همگان مستحضرند آموزش آواز نیاز به پیش شرط دارد و آن داشتن صدای خوب و مناسب است که در تست حضوری مشخص می‌شود البته در بخش آموزش ساز این پیش شرط وجود ندارد و استعداد هنرجویان حین آموزش مشخص می‌شود. از سوی دیگر فعالیت دیگر من مربوط به خانه موسیقی است. در این یک سال و اندی همه توجه و تلاش خانه موسیقی حول مسائل صنفی و معیشتی و درمانی هنرمندان موسیقی بوده است، از جمله پرداخت حق بیمه و سرانه درمان سه ماهه بهار ۹۹ که امسال نیزهمچون سال گذشته از طریق صندوق اعتباری هنر پرداخت می‌شود. علاوه برآن رسیدگی به مشکلات معیشتی هنرمندانی که دچار مضیقه‌های شدید مالی و بیماری‌های خاص هستند از اولویت های خانه موسیقی بوده است. اما درکنار این فعالیت‌ها آزمون‌های صلاحیت تدریس در راستای نظارت کیفی برای آموزش موسیقی کشوربه صورت آنلاین درحال انجام است وامیدواریم با برنامه ریزی‌هایی که برای تسریع این امرصورت گرفته تا پایان نیمسال اول امسال بخش قابل توجهی از آن انجام شود.از دیگر خدماتی که برای اهالی موسیقی انجام گرفت، صدورهنرکارت بود که به‌صورت متمرکز از طریق صندوق اعتباری هنر اجرایی شد و در دو نوبت مبالغی به حساب همه هنرمندان عضو خانه موسیقی و صندوق اعتباری هنر پرداخت شد. نکته دیگرانتخابات خانه موسیقی است و دراین خصوص باید بگویم این انتخابات به‌صورت حضوری برگزار خواهد شد و دراین باره تابع دستور ستاد ملی مقابله با کرونا هستیم و مجدداً از سوی این ستاد استعلام انجام گرفته اما درحال حاضر برگزاری آن را مجاز ندانسته‌اند و منتظریم بدانیم چه زمانی این امکان میسر خواهد شد. ناگفته نماند سال گذشته برخی ازدوستان اصرار داشتند این انتخابات به‌صورت مجازی برگزار شود و من باردیگر تأکید می‌کنم به‌دلیل مهیا نبودن بستر مناسب و ساختار و امکانات لازم، برگزاری انتخابات در فضای مجازی امکان پذیرنیست. البته تأکیدم شرایط موجود است چرا که دنیا و ساز و کارش درحال پیشرفت بوده و در مسیر تکنولوژی روز است بنابراین در نهایت باید به این سمت حرکت کرد و این موضوع جزو برنامه‌هایی است که قطعاً باید اتفاق بیفتد اما در شرایط کنونی پرداختن به مسائلی مانند انتخابات که از حساسیت بسیاری برخورداربوده و شامل ساز و کاری بسیار ظریف و حقوقی است ضرورت دارد جدی‌تر به این موضوع نگاه شود چرا که برگزاری انتخابات یعنی امکان عرضه ایده و تفکرات و شناسایی افرادی که قرار است در این زمینه فعالیت کنند بنابراین نیازاست زیرساخت‌های لازم فراهم شود و این زیرساخت‌ها آزمون و خطا شوند تا مشکل وتقلبی صورت نگیرد و حرف و حدیثی باقی نماند.

اَبَراسپانسرها به کیفیت زیست مردم بی‌توجه‌اند

مرض مزمن تابلوهای تبلیغاتی شهری

پیاده‌رو

ارمغان بهداروند
شاعر

چیدمان شهر به‌دلیل چیرگی سازه‌های غول‌آسا و ناهمسانی ظرفیت‌ها و وضعیت، از دیروز تا به امروز یکی از مصایب متولیان شهری بوده است. ترافیک «ساختمانی» و «خودرویی» دو بیماری لاعلاج شهر بزرگی مثل «تهران» است. مواجهه لحظه‌ای با این خشونت شهری، برای مردمی که به ناگزیر و لااقل دو بار در روز، زیستی متحرک را تجربه می‌کنند، رنج‌آور است. آسمان اندک و زمین تنگ، به بدمنظری شهر و بی‌حوصلگی شهروندان دامن می‌زند. قاعدتاً تصحیح بسیاری از وضعیت‌ها ممکن نیست؛ هم چنان که در همه این سال‌ها نیز تلاش شده است بسیاری از زشتی‌ها و اعوجاجات شهری غیرقابل درمان، پوشش داده شوند تا خشونت‌های بصری منظرها و معابر لااقل تقلیل پیدا کنند. نسخه نخست طبیبان شهری، تجویز هنر برای این مرض مزمن بود. نصب «احجام هنری» در میادین و معابر، ایجاد گالری‌های هنری در مناظر شهری همچون دیوارها، بیلبوردها، بدنه خودروهای عمومی و عرصه‌ها و عرشه‌ها از این جمله می‌تواند محسوب شود. شاید در ابتدا صرفاً تصحیح اغلاط شهرسازی مقصد چنین تجویزی تلقی می‌گردید اما مقاصدی دیگر هم چون تبلیغات تجاری، ترویج الگوهای زیستی، نشاط آفرینی و هدایت ذائقه فرهنگی شهروندان به این چرخه افزوده شد. آنچه در برون‌تاب این پدیده این روزها بیشتر به چشم می‌نشیند، غلبه فرصت‌آفرینی تجاری و درآمدسالاری است. قاعدتاً در چنین وضعیتی پدیده‌های فرهنگی‌هنری که نقش مستقیمی در هدایت فکری و تسکین روحی مخاطبان بی‌حوصله یا لااقل کم‌حوصله شهری دارند، از منظر حذف می‌شوند و در فضای رقابتی با اَبَراسپانسرهای برنامه‌های خاص که آثاری متفاوت از کیفیت زیست غالب مردم و ضرورت‌های اجتماعی را تولید می‌کنند، از پیش‌بازنده‌اند. تولیداتی تقلیدی که بی‌هیچ تلاشی برای انطباق با وضعیت فرهنگی و هویت ایرانی و سبک زندگی رایج، به غایت در تقلیل ذائقه مخاطبان و باری‌به‌هرجهت‌سازی نسل نو اثرگذار بوده‌اند و اتفاقاً به‌دلیل برخورداری از مزیت چهره‌های مشهور سینمایی تلویزیونی، هزینه‌های نجومی خود را به درآمدهای نجومی‌تر تبدیل می‌کنند. سزاوار نیست لااقل در دشواری‌های روزگار کرونا، «هنر» که از جمله متضررترین اصناف بوده است؛ نحیف‌تر و نگران‌تر از همیشه، فراموش شود و به تبع آن، عواید فرهنگی و ارتقای نشاط شهری به‌دلیل حذف هنر از منظر، تقلیل خواهد یافت. به هزار دلیل این روزها، می‌توان با مشارکت‌خواهی از هنرمندان همه حوزه‌های فرهنگی و هنری، حال شهر ناخوش احوال را خوش کرد. فرصت قابل تحمل‌تر کردن خشونت‌های شهری و تاب‌آوری شهروندان را با تمهیداتی تجربه شده همچون گالری کردن شهر، اجراهای شهری موسیقی و... از دست ندهیم.

ریسمانی از چاه زمین تا دل آسمان

پیشنهاد

در میان صاحبنظران تقریباً اجماع است که مهم‌ترین و دقیق‌ترین پژوهش درباره مفهوم دعا و نیایش، کتابی است که دین شناس شاخص آلمانی، فریدریش هایلر(۱۹۶۷ - ۱۸۹۲) فراهم آورد و به سال ۱۹۱۷ در اوج کشاکش‌های جنگ جهانی اول منتشر کرد. هایلر در این کتاب با رویکردی تاریخی و روان شناسانه به مفهوم نیایش نظر کرده است. او دعا را نه صرفاً یک مناسک و رفتار ظاهری بلکه «پدیده مرکزی دین و گوهر پارسایی و دیانت» (ص ۶۱) به شمار می‌آورد. به این ترتیب، هایلر در نقطه مقابل فیلسوفان عقل‌گرایی چون کانت قرار می‌گیرد که می‌گفتند «آن کس که در نیکی پیشرفت کرده باشد دست از دعا خواهد شست.» کتاب نیایش اگرچه اعتراف می‌کند که به دست آوردن تصویر دقیقی از نیایش واقعاً کار آسانی نیست (ص ۶۶) اما به گفته مؤلفش می‌کوشد «توصیفی پویا، حقیقی و آشکارازاین پدیده اصلی دین «(ص ۵۲) عرضه کند. او حتی در مبالغه‌ای احتمالاً موجه می‌پذیرد که «می‌توان بدون فوت وقت، با نوشتن تاریخ نیایش، یک تاریخ دین نوشت.» (ص ۶۴) چراکه فقط در دعا و نیایش است که کیفیت خاص زندگی دینی را درک می‌کنیم. اینجاست که هایلر به تبعیت از شلایرماخر، فیلسوف شاخص آلمانی اقرار می‌کند که «دینی بودن و دعا کردن در واقع یک چیزند» و همنوا با نوالیس، شاعر رمانتیک می‌گوید «دعا کردن در دین همان نقشی را دارد که اندیشیدن در فلسفه»(ص۶۱). هایلر کتاب دوران ساز خود را در ۱۳ فصل فراهم آورده است. او پس از تبیین نظری مفهوم دعا سراغ نیایش‌های بدوی، نیایش‌های آیینی، تمدن یونانی، دستگاه‌های فلسفی، نظام‌های عرفانی، ادیان تاریخی و وحیانی، تعالیم بزرگان و حکیمان می‌رود و در هر فصل با التزام به روش پدیدارشناسانه به بررسی موضوع می‌پردازد.

«نیایش، پژوهشی در تاریخ روان شناسی دین» را شهاب‌الدین عباسی، با ترجمه‌ای دقیق و شیوا و رسا به پارسی درآورد و چاپ نخست آن به سال ۱۳۹۲ به همت نشر نی به بازار فرهنگ درآمد. آنچه اکنون در اختیار ماست چاپ سوم از این ترجمه خوشخوان است. عباسی در ترجمه این اثر دشوار، روی مرز باریک دقت و صحت و وفاداری و زیبایی و رسایی و روانی گام برداشته است. توضیحات او در پانوشت صفحات، منفعت اثر را مضاعف کرده است. مهم‌تر از این توضیحات، مقدمه ممتع و مغتنم اوست که به شرح شخصیت علمی و دیدگاه‌ها و نظرات و روش شناسی فریدریش هایلر پرداخته و با استفاده از منابع دست اول، مدخلی بسیار مفید برای ورود به «نیایش» عرضه داشته است. این مقدمه در عین حال متضمن گزارشی جامع از آثاری است که در زبان فارسی پیرامون مفهوم دعا تا زمان تکمیل این ترجمه به چاپ رسیده است.

در ایامی که شوق عبادت و اشتیاق عبودیت در جان مؤمنان شعله ور است مطالعه «نیایش» پیشنهادی با دست‌کم دو منفعت است: هم گرمای مکالمه‌ای شورمند و شوق انگیز با اهل آسمان را به یاد خواننده می‌آورد و هم روشنای یک پژوهش دقیق عالمانه را به مخاطب ارمغان می‌کند.

- **نیایش**
- **فریدریش هایلر**
- **ترجمه شهاب‌الدین عباسی**
- **نشرنی**

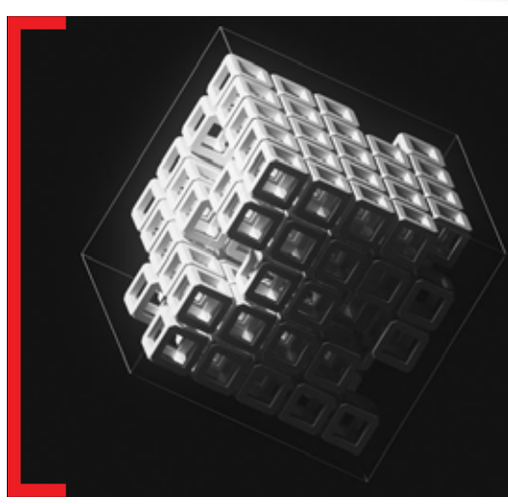

عکس نوشت

آخرین حراجی آنلاین ساتبیز میزبان مجموعه‌ای از آثار کاملاً دیجیتالی یک هنرمند بود که با قیمت عجیب ۱۶.۸ میلیون دلار در قالب رمز غیرقابل معاوضه فروخته شد. این مجموعه متعلق به هنرمندی به‌نام «پاک» (Pak) و شامل مکعب‌های دیجیتالی بود که به خریدارها این امکان را می‌داد تا هر یک از آنها را با قیمت بین ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ دلار خریداری کنند.
در جریان این حراجی اثری هنری که تصویری از یک پیکسل است، پس از ۹۰ دقیقه کشمکش بین خریداران، در نهایت به قیمت ۱.۳۶ میلیون دلار فروخته شد.

روز پنجم ماه رمضان

ای پروردگار باران و روزهای بهاری!

یک دقیقه با خدا

عبدالرحیم سعیدی راد
شاعر و پژوهشگر

ای آفریننده شکوفه‌های بهار نارنج و گل‌های محمدی!
همان گونه که آب مایه شکوفایی و سر زندگی است، ذکر تو و یاد تو هم، امید و آرامش را در دل، شکوفا می‌کند.
کاش ما آدم‌های غافل از یاد تو می‌فهمیدیم که سال‌هاست به دور خود پیله‌ای تنیده‌ایم از غرور، زیاده خواهی، چشم و هم چشمی، حسد، تنهایی، تنهایی، تنهایی و ما در کنار هم چقدر تنهاییم!...
حالا در ایستگاه پنجم ماه رمضان چقدر محتاج باران مهربانی توام! پس بر بام کوچک دلم ببار! آنقدر ببار تا از غیر تو پاک شوم و جز تو را در دل نداشته باشم. همین.

برگرفته از سلسله درسگفتارهای منتشر نشده شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی

آداب ارشاد و آفات اجبار

ماه میهمانی خدا

آیت‌الله‌دکتر سید محمد بهشتی

کسی که با حقایق آنقدر قهر کرده که به محض اینکه رنگ و بو و شکل و شمایل حق را از دور می‌بیند، اگر دو پا دارد دو پای دیگر هم قرض می‌کند و فرار می‌کند، چگونه می‌شود او را ارشاد و راهنمایی کرد؟
این گروه دو دسته‌اند: دسته‌ای به‌خود مشغولند و اصلاً کاری به کار دیگران ندارند، اما عده‌ای دیگر به این هم قانع نیستند و می‌گویند راه، فقط همان راهی است که ما می‌رویم، دیگران هم غلط می‌کنند، جلویشان را می‌گیریم!
خدا به موسی(ع) می‌گوید: تو نگران این دسته نباش! در این نهضت الهی تو، خودم می‌دانم با این دسته چه‌کار کنم، اینها را که در مغز خودشان، فکر مبارزه با حق را می‌پرورانند، آیات خود را از گزند آنها دور نگه می‌دارم.

■ **انتخاب بر سر دوراهی‌ها**

در توصیف این مردم، این دو جمله جالب است:
۱. «وَإِن یَرَوْا کُلَّ آیَةٍ لَا یُؤْمِنُوا بِهَا»، هر دلیل و برهانی برای آنها بیاوری، در آنها اثر نمی‌کند. هیچ میخی بر سنگ دل اینها فرو نمی‌رود، هیچ دلیلی، هیچ مطلبی، هیچ برهانی در آنها کارگر نیست. این، روشن است. آدم معمولاً وقتی در زندگی، سر دوراهی می‌رسد، سه حالت دارد و به حسابی دیگر می‌توانم عرض کنم پنج حالت دارد. پنج حالت را بگوییم، مطلب بهتر روشن می‌شود:
گروه اول. سر دوراهی، دچار تردید می‌شود که از این راه بروم یا از آن راه؟ با خودش فکر و مطالعه می‌کند، اگر کسی را پیدا کند با او مشورت می‌کند و یکی از این دو راه را انتخاب می‌کند. این دسته از مردم خیلی خوب قابل راهنمایی و ارشاد هستند. اگر کسی قدرت رهبری داشته باشد، می‌تواند این گروه از مردم را به راه حق بکشاند.
گروه دوم. کسانی که وقتی سر دوراهی می‌رسند، سابقه تربیتی و تمایلات رشد یافته قبلی و سابقه ذهنی آنها با یکی از این دو راه جورتر است، خودبه‌خود در آن راه می‌افتند، اما خیلی هم محکم نیستند که اگر کسی سر راهشان قرار گرفت و گفت آقا چرا از این راه می‌آیی؟ محکم بگویند به تو چه! به عبارت دیگر، اگر کسی به آنان برخورد نکند، خود به خود در این راه می‌روند. اما اگر کسی به آنها برخورد کرد و گفت چطور از این طرف می‌آیی؟ دچار تردید و تأمل می‌شوند، آن وقت موقع مطالعه‌شان شروع می‌شود! با این گروه هم می‌شود حرف زد.
گروه سوم آنهایی که وقتی در راه افتادند، آنقدر سابقه ذهنی آنها با این راه جور درآمده که وقتی در آن راه می‌افتند، دیگر با هیچ وسیله‌ای نمی‌شود آنها را از این راه برگرداند! دسته دوم و سوم، هر کدام دو دسته می‌شوند: گروهی با راه حق و صواب، سنخیت دارند و گروهی دیگر با راه باطل.
گروه چهارم آنهایی هستند که در راه کج می‌افتند، البته به علت تمایلات قلبی و سابقه ذهنی و سنخیت قبلی، اما نه به‌صورت قاطع. بنابراین، اگر در راه به کسی برخورد کردند که به آنها گفت این راه کج است، کمی به فکر می‌افتند و به راه راست می‌آیند.
گروه پنجم آنهایی که در راه کج آنقدر قرص و محکم می‌روند که با هیچ چیز نمی‌شود آنها را از راه کج برگرداند! قرآن درباره دسته پنجم می‌گوید: اینها مردمی هستند که «وَإِن یَرَوْا سَبِیلَ الرُّشْدِ لَا یَتَّخِذُوهُ سَبِیلًا»، اصلاً وقتی به راه راستی می‌رسند، خود به خود افسارشان را به طرف دیگر می‌گردانند، اصلاً با راه راست سنخیت ندارند. یک قدم هم در راه راست نمی‌گذارند: «وَإِن یَرَوْا سَبِیلَ الْغَیِّ یَتَّخِذُوهُ سَبِیلًا». اما به محض اینکه راه کج پیش راهشان می‌آید، خوشحال می‌شوند و می‌گویند این راه ماست، در راه خودمان افتادیم! اگر آدمی این سعادت و خوشبختی را در زندگی داشته باشد که به‌دلیل محیط خوب تربیتی دوران کودکی، محیط خوب دوران رشد و کمال و محیط اجتماعی، محیط مدرسه و اجتماع و خانواده، شرایط طوری برای او مساعد باشد که تمایل بخوبی روزبه‌روز در او تقویت شود، راه این آدم به سعادت و خوشبختی واقعاً خیلی نزدیک است. امّا اگر آدمی به‌دلیل نقص و بدی محیط تربیت کودکی، راه تعلیم و تربیت در مدرسه، معاشرت، خانواده، کار و... دائماً با عواملی سر و کار داشته باشد که زمینه بد شدن را در او هموار کند، به‌راستی خطر انحراف برای او خیلی شدید است.
یکی از دلایل توصیه و تأکید اسلام به اصلاح محیط خانواده، به تعلیم و تربیت و جامعه و یکی از دلایل قطعی و اساسی برای امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با آفات و بدی‌ها و فساد و حمایت از خوبی‌ها و صلاح و تقوا و طاعت و راست روی و راست کرداری و راست گفتاری، برای این است که بر اساس این اصل می‌شود محیط خوب ساخت و تمایلات اشخاص را طوری تربیت کرد که اگر گاهی دچار اغفال شیطان می‌شوند، بتوانند خودشان به راه راست بیاورند. این نکته‌ای که در آیه اول هست.